

In the history of Iran, religion with no doubt has been one of the important basics of legitimacy.

بدون تردید در تاریخ ایران ، دین یکی از مبانی مهم ایجاد مشروعیت بوده است.

But alongside that, we should also consider the power or force-based legitimacy.

اما باید در کنار آن، مشروعیت مبتنی بر زور یا قدرت را هم مد نظر بگیریم.

Alongside در کنار

Here we should answer two questions:

First question: How did Iranian governments use religion to acquire legitimacy?

در اینجا باید به دو سوال پاسخ دهیم :

سوال اول) حکومت های ایرانی چگونه از دین برای کسب مشروعیت بهره برداری می کردند؟

Acquire / ə'kwairə / بدست آوردن

From the first Iranian dynasties before Islam to the new era which started with signing the constitutional ordinance, excluding Mongol and Nader rule eras, religion and government were in close ties with each other and the religious tendency of rulers played an important role in the political orientation of governments.

از اولین سلسله های ایرانی قبل از اسلام، تا دوره جدید که با امضای فرمان مشروطیت آغازگردید، جز دو برهه مغولی و نادری، دین و دولت در پیوند تنگاتنگی با یکدیگر قرارداداشتند و گرایش دینی سلاطین، نقش تعیین کننده ای در جهت گیری سیاسی حکومت بازی می کرد.

Signing / 'sainɪŋ / امضا کردن

Ordinance فرمان ، حکم

Excluding به استثنای ، بجز

Ties / taiz / روابط ، الزام ، کراوات

Tendency گرایش ، تمایل

Orientation گرایش ، جهت گیری

.....

Religion formed the foundation and basis of the legitimacy for a majority of governments in Iran.

دین، اساس و بنیاد مشروعیت اکثر دولت ها را در ایران تشکیل می داده است.

.....

However, in some historical sections, other elements such as force and power would also participate with religion in giving legitimacy to the king or dynasty or would even overtake religion.

اگرچه در بعضی از مقاطع تاریخی، عناصر دیگری همچون زور و قدرت فائقه در مشروعیت بخشیدن به سلسله یا پادشاه، با دین سهیم می شدند و یا حتی از آن پیشی می گرفتند.

Participate مشارکت کردن، سهیم شدن ، شریک شدن

Overtake پیشی گرفتن ، سبقت

.....

Until before the Mongol era and downfall of the Abbasids, all the Iranian dynasties sought to obtain a patent of investiture from the Caliphate and regarded that as the signature of their administrations religious legitimacy.

تا قبل از دوره مغول و سقوط خلافت عباسی، تمامی سلسله های ایرانی، خواهان دریافت عهد و لوا از خلافت بوده و آنرا به منزله امضای مشروعیت دینی دولتشان قلمداد می کردند.

Sought to می خواست

Obtain بدست آوردن

Patent امتیاز ، حق ثبت اختراع

Investiture اعطای نشان ، تفویض

.....

Position and religious status of the caliphate apparatus was to the extent that even the Shiite government of Buyids, after the conquest of Baghdad and dominance over the caliphate apparatus, didn't find it expedient to overthrow the caliphate and after agreeing on replacing the caliph, they contented themselves to the position of pendragon granted by the caliph.

جایگاه و شان دینی دستگاه خلافت تا بدان حد بود که حتی دولت شیعی آل بویه نیز پس از فتح بغداد و سلطه بر دستگاه خلافت، براندازی آن را به مصلحت خویش ندانست و پس از رضادادن به جابه جایی خلیفه، به منصب امیرالامرای اعطاشده از سوی دستگاه خلافت، اکتفاکرد.

status /'stertəs / وضعیت ، شان

apparatus دستگاه ، ماشین ، لوازم

Dominance سلطه، غلبه ، نفوذ

Expedient مصلحت

Contented رضایت دادن ، خرسند شدن ، اکتفا کردن، مقدار ، محتوا ، حجم

Pendragon فرمانده کل قوا ، امیر الامرا

.....

Second question: How did Iranian governments benefit from force to obtain legitimacy?

سوال دوم) حکومت های ایرانی چگونه از زور برای کسب مشروعیت بهره برداری می کردند؟

Obtain بدست آوردن

.....

This kind of legitimacy would be proven by showing capability and merit and ultimately victory over the other claimants of the throne.

این نوع از مشروعیت با نشان دادن توانایی و استحقاق و بالاخره پیروزی بر دیگر مدعیان تاج و تخت به اثبات می رسد.

Proven اثبات شده

Capability / ,keɪpə'biɪlti / توانایی ، صلاحیت ، لیافت

Merit لیاقت ، استحقاق

Ultimately / 'ʌltɪmɪtli / در نهایت ، نهایتاً

.....

The legitimacy of these governments, (besides relying on religion) was extremely dependant on the continuity of the dynasty.

مشروعیت این دولت ها، (علاوه بر اتکای بر دین) شدیداً به تداوم سلسله بستگی داشت.

Beside در کنار ، علاوه بر

Relying / rɪ'laɪɪŋ / اتکا کردن ، تکیه کردن

Extremely فوق العاده، شدیداً ، بشدت

.....

Therefor with the emergence of weakness in the foundations of their political and military authority, their religious legitimacy would also be doubted or diminish totally.

به همین رو، با بروز ضعف و فتور در پایه های اقتدار سیاسی و نظامی آنان، مشروعیت دینی اشان نیز به کلی زایل یا مورد تشکیک واقع می شد.

Doubt تردید کردن ، شک کردن

Diminish کاهش پیدا کردن، از بین رفتن ، خرد شدن

.....

In the history of Iran, governments religious legitimacy is based on two theories: the theory of divine blessing which is generally related to pre-Islamic Iran and the theory of “shade of God” (God`s mercy and protection) which is related to post-Islamic Iran.

در تاریخ ایران، مشروعیت دینی حکومت ها بر پایه دو نظریه استوار است. نظریه "فره ایزدی" که عمدتاً به ایران قبل از اسلام مربوط می شود ، و نظریه "ظل الهی" (لطف و حمایت الهی) ، که عمدتاً به ایران بعد از اسلام مربوط می شود.

فر ایزدی divine blessing

سایه خدا ، ظل الهی shade of God

لطف و حمایت الهی God`s mercy and protection

.....

The concept of Divine Glory in Iran meant that the kingship was a divine blessing granted by God to his selected ones.

مفهوم فره ایزدی برای پادشاهان این است که پادشاهی در ایران، موهبتی الهی بود که خدا به برگزیدگان خود عطا می کرد.

مفهوم Concept

فر ایزدی ، شکوه خدایی Divine Glory

موهبت ، برکت ، نعمت Blessing

.....

The king had a superhuman position ( but not as the God or his shade on earth) so anyone who would possess the kingship had to be assumed to have the divine glory.

پادشاه مقام فوق بشری داشت (اما نه در حد خدا، یا سایه او در زمین) بنابراین هر کس که قدرت و مقام پادشاهی را بدست می آورد، باید چنین فرض میشد که دارنده فره ایزدی است.

فوق بشری Superhuman

Shade / ʃeɪd / سایه

Possess / pə'zɛs / متصرف شدن ، بدست آوردن

Assume فرض کردن

divine glory فر ایزدی ، شکوه خدایی